



صفحه ۲

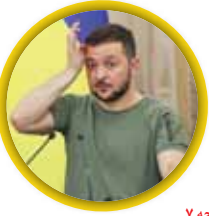
شهرک‌نشینان غیرنظامی نیستند



زنسکی با ابراز ناامیدی از ادامه دریافت کمک‌های مالی، خطاب به کشورهای غربی:

لااقل به ما قرض بدهید

صفحه ۷



تیتراهای امروز

رهبان انقلاب «سیاست‌های کلی توسعه در بامحور» را ابلاغ کردند

گنج دریا

وزارت راه و شهرسازی:

نهاد عالی سیاست‌گذاری اقتصاد در بامحور تشکیل می‌شود



صفحه ۳

جدیدترین تحولات جنگ غزه

ادامه حملات

از یمن و عراق

حملات یمن به پایگاه‌ها و فرودگاه‌های رژیم صهیونیستی؛ حمله مقاومت عراق به ۴ پایگاه نظامیان آمریکا در سوریه و عراق

صفحه ۷

آژانس تعطیلات

هجمه به برنامه هسته‌ای ایران و انتقال نسبت به تهدید هسته‌ای اسرائیل علیه غزه

صفحه ۲

نگاهی به ژانر طنز این روزهای سینما که مخاطبان بسیاری را به سالن‌های نمایش کشانده است

تلخند کمدی

صفحه ۸

صحنه‌های دبیر درباره جراحی کتف یزدانی

حسن به المپیک

صفحه ۶

می‌رسد؟

نگاه

هنر جذب مخاطب

و حفظ ابهام برای دشمن



دکتر سیدمحمد مردنی:

سیدحسین نصرالله، دبیرکل حزب‌الله لبنان جمعه ۱۳ آبان ساعت ۳ بعد از ظهر به وقت بیروت در مراسم بزرگداشت شهدای «راه قدسی» که در دفاع از غزه و ملت فلسطین به شهادت رسیده‌اند، سخنرانی مهمی ایراد کرد. این سخنرانی از چند جهت دارای پیام و نکته برای رژیم صهیونیستی و آمریکا و هواداران و تندفغمندان مقاومت بود. این سخنرانی در میان جنگ غزه به دلیل اینکه از یک هفته قبل اعلام شده بود و با توجه به شرایط خطیر موجود باعث شد مردم سراسر جهان منتظر صحبت‌های ایشان باشند و عملاً شاید یکی از پرمخاطب‌ترین سخنرانی‌های سیاسی تاریخ معاصر شد.

ایشان بیش از یک ساعت مردم جهان را مخاطب حرف‌های خود قرار داد و بازخوردهای زیادی را در بین توده مردم و تحلیلگران جهانی گرفت.

فارغ از محتوای سخنرانی و نکات مهمی که در بیانات رهبر مقاومت لبنان بود، نفس انتقال پیام به مخاطب به این شیوه یک هنر بزرگ رسانه‌ای و تبلیغاتی بود. ایشان توانست برای جامعه عظیم جهانی، تاریخ قضیه فلسطین و اشغالگری‌ها و جنایات رژیم غاصب صهیونیستی، همچنین نقطه نظرات و مواضع مقاومت در منطقه را بیان و تشریح کند. سیدحسین نصرالله برای مردم جهان از سیاست‌های ایالات متحده آمریکا در حمایت از رژیم کودک‌کش صهیونیستی و قتل‌عام مردم مظلوم فلسطین پرده برداشت که این موضوع نیز حائز اهمیت زیادی است.

نکته مهم دیگر اینکه صحبت‌های ایشان عمداً دارای ابهاماتی بود و دلیل آن این است که اسرائیلی‌ها و آمریکایی‌ها نتوانند محاسبه دقیقی انجام دهند یا برنامه مشخص سیاسی و نظامی را برای روزها و هفته‌های آینده تنظیم کنند. رژیم صهیونیستی و آمریکا کم‌کم نمی‌دانند اهداف مقاومت در ایام پیش رو چیست و همچنین نمی‌دانند در سناریوهای مختلف برنامه‌ها و پاسخ‌های مقاومت به چه شکل خواهد بود. هر چه سردرگمی رژیم صهیونیستی بیشتر باشد توانمندی و قدرت مانور مقاومت در آینده بیشتر خواهد بود.



چگونه مردمی‌سازی مقاومت فلسطین

به کابوس صهیونیست‌ها تبدیل شد

این خط ماندنی

مقاومت کردن منصرف کرد ۱- غزه صحنه شکست پیش‌فرض‌ها شده است. بدبین‌ترین انسان‌های جهان نیز گمان نمی‌کردند روزی رژیم جنایت‌پیشه و خونخوار به این شکل مقابل دیدگان جهان کودکان را به قتل برساند و بگوید اهداف نظامی را منهدم کرده است. حتی آنانی که تی‌شرت محبوب صهیونیست‌ها را که در کانون تصویرش یک زن باردار هدف گرفته‌شده با شعار «۲ هدف با یک گلوله» حک شده بود، یادشان هست هم به سختی فکر می‌کردند اشغالگران بعد از بستن آب بر ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار انسان مقابل دوربین‌ها حاضر شوند و بگویند به جنگ «حیوانات» می‌رویم. حتی افرادی که تاریخ جنایات رژیم صهیونیستی را خوانده‌اند هم حدس نمی‌زدند این روزها پرترکرترین محتوای تولیدی در شبکه‌های اجتماعی اسرائیل، تسخیر زنان فلسطینی باشد که در عزای کودکان‌شان نشسته‌اند. حتی آنها که به جهان به چشم یک طنز تلخ و سیاه نگاه می‌کنند، هنگام خواندن نامه درخواست ۱۰۰۰ پزشک اسرائیلی برای بمباران بیمارستان‌های غزه چند ثانیه لیخنند روی لب‌شان خشک شد و حیرت‌زده دنبال یک کلمه شوخی در نامه این قضایان سفیدپوش می‌گشتند.

غزه این روزها صحنه شکست تمام پیش‌فرض‌هاست. رژیم‌هایی که هیچ حد یقینی برای کشتار قاتل نیست، می‌کشد و تمام نهادهای حقوق بشری تصدیق می‌کنند که کشتن جدی جزئی از حقوق ضحاک است. کودکان جدی جدی می‌میرند و رهبران سفیدپوست قاره سبز از گسترش یهودستیزی ابزار تاسف می‌کنند. بمب‌های آمریکایی شوخی شوخی بیمارستان‌ها را قبرستان می‌کنند و شبکه‌های اجتماعی صفحات حامی فلسطین را با برچسب «گسترش خشونت» مسدود می‌کنند. حالا با هر کودکی که با زخم‌های صورتش یازاری می‌کند، یک نام دیگر به لیست گروه‌های تروریستی غربی‌ها اضافه می‌شود. غزه صحنه شکست تمام پیش‌فرض‌ها شده است؛ فرض اینکه شب‌ها آدم‌ها می‌خوانند تا صبح بیدار شوند، فرض اینکه نام‌ها برای شناختن زندگان است، فرض اینکه پناهگاه امن‌ترین جا برای کودکان است و البته این فرض که فلسطین را می‌توان با بمباران فسفری از

دیدشان باقی نمی‌ماند. زمانی که مراکواهای باشکوه صهیونیست‌ها در جنگ تموز (۳۳ روزه) وارد دشت خیام لبنان می‌شدند، همه چیز حکایت از آن داشت که نیروی زنده‌ای مقابل‌شان نیست اما هر چند ساعت یکی از این مراکواها با سربازانش در آتش می‌سوخت. جوانانی از زیر زمین بیرون می‌آمدند تا داخل نمادین‌ترین سلاح جنگی متجاوزان را در بیاورند. مصادف در جنگ اشباح صهیونیست‌ها را با گزینه‌ای جز شکست مواجه ساخت. ضربه‌ای که مقاومت فلسطین در توفان الاقصی بر هیمنه اشغالگران وارد کرد، باعث شده آنها جز با ادعای نابودی حماس نتوانند هیچ افق دیگری را برای دفاع از حیثیت از دست رفته‌شان طرح کنند. با این حال غزه میدان جنگیدن با همان اشباحی شده که در محاصره‌های سنگین، ارتشی مسلح و مجهز را به قربانگاه می‌فرستد. صهیونیست‌ها دوست دارند اشباح را در قامت کماندوهای مجهز تعریف کنند اما تصاویر منتشر شده از جوانان آماده شهادت فلسطینی که از هر منفذی به اشغالگران ضربه می‌زنند و محو می‌شوند، باعث شده انتشار این تصاویر الهام‌بخش به کابوس ارتشی مجازر تبدیل شود. آنها می‌دانند همین ظاهر به نظر متناقض نیروهای مقاومت چه اعتماد به نفسی به دیگر جوانان فلسطینی می‌دهد. صهیونیست‌ها درک می‌کنند ارزش نمادین همین لباس‌ها چگونه می‌تواند نقطه آغاز تجربه‌هایی تلخی برای‌شان شود. در جهانی که نشان هندوانه به علت ترکیب رنگی‌اش که آمیزه‌ای از رنگ‌های پرچم فلسطین است، تبدیل به شمایل مقاومت شده است، دور از ذهن نیست این گرم‌کن‌های سه‌خط نیز لباس چریکی اشباحی شود که ناامن کردن زمین اشغال شده برای اشغالگران را رسالت خود می‌دانند.

۴- مردمی شدن الگوی مقاومت در فلسطین و به طور ویژه در نوار غزه، جنگیدن با مقاومت را به امری محال برای اشغالگران تبدیل کرده است. صهیونیست‌ها با حمایت بین‌المللی در دهه‌های متعاصر تلاش کردند با نشانه گرفتن تمام مولفه‌هایی که امکان سرزمین شدن را به مناطق اشغال ندهای فلسطینی‌ها در آن ساکن هستند می‌دهد، مانع از آن شوند که موجودیت فلسطین

انجام سرزمینی به دست آورد؛ آنچنان که برخلاف خیال خوشبینانه طرفداران سازش که در اسلو بر سر تشکیل دولت فلسطینی در کرانه باختری و نوار غزه به توافق رسیدند، عملاً با شهرک‌سازی در کرانه غیرمسلح باختری بکراچگی جغرافیایی آنجا را از میان برداشتند. از میان اهرم‌هایی که برای ممانعت از موجودیت سرزمینی فلسطین مورد حمله قرار گرفت، اسرائیل بیش از همه چشم بر غیرمسلح نگه داشتن فلسطینی‌ها داشت. در این فضا هر چند فلسطینی‌ها هیچگاه صاحب یک ارتش کلاسیک نشدند اما در صحنه عمل با مردمی‌سازی مبارزه مسلحانه، یک شبکه پرنفوذ را برای مقاومت سامان بخشید. رژیم صهیونیستی که ارتش‌های مجهز عربی را در چند جنگ شکست داده بود، حالا با شبکه مقاومتی مواجه است که همانند توفان الاقصی می‌تواند به یک‌باره غافلگیرش کرده و تاریخی‌ترین ضربه را به موجودیتش وارد کند. مقاومت، امروز یونفرم رایج نظامیان را ندارد اما با یک لباس ورزشی، ابزار جنگی ارتشی را شجاعانه نابود می‌کند که سابقه شکست چند ارتش بزرگ عربی را دارد.

پروسه مردمی‌سازی مقاومت که حاصل تجربه و آگاهی تاریخی فلسطینیانی است که در ۷ دهه گذشته همه گزینه‌های موجود را آزموده‌اند، تبدیل به کابوس اشغالگران شده است؛ به همین خاطر است که پس از هر تهدید رسمی مقامات رژیم صهیونیستی مبنی بر نابودی حماس، تحلیلگران این رژیم با صدای آرام می‌گویند «امکان‌پذیر نیست»

ابوعبیده، سخنگوی گردان‌های قسام چندی پیش اذعان کرده بود ۸۵ درصد نفرات این گردان کودکانی هستند که پدر و مادرشان را در جریان حمله‌های اشغالگران از دست داده‌اند و حالا بزرگ شده‌اند و قلبشان در شعله انتقام می‌سوزد. جوانانی که با شلواری سه‌خط مراکواهای صهیونیست‌ها را منهدم می‌کنند، آنها را در توفان الاقصی به روز سیاه می‌شنانند و تبدیل به کابوسی شیووار شده‌اند، فرزندان جوانانی هستند که زور سنگ‌های‌شان به هیچ تانک و نفربری نمی‌رسید. تکثیر مقاومت و پروسه مردمی شدن آن نمی‌گذارد این خط مبارزه شکست بخورد.

در شبکه‌های اجتماعی



@vatanemrooz